

فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

سال دوازدهم - شماره دوم - تابستان ۱۴۰۱ - شماره پيوسته ۳۶

اصلی‌ترین ویژگی‌های دستوری در لهجه یزدی (ص ۷۱-۹۸)

صدیقه رمضانخانی^۱، محمود صادق‌زاده^۲ (نویسنده مسئول)

: 20.1001.1.2345217.1401.12.2.4.6

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱۰

چکیده

زبان یزدی از کهن‌ترین و غنی‌ترین زبان‌های مرکزی ایران به شمار می‌رود که در مقایسه با گویش معیار فارسی، غالباً از نظر ویژگی‌های آوایی و کاربرد واژگان بومی و تاریخی متفاوت است؛ اما در برخی موارد نیز از مختصات صرفی و نحوی برخوردار است. در این جستار به شیوه توصیفی - تحلیلی و استشهادی، به بررسی اصلی‌ترین قواعد و ویژگی‌های آوایی، صرفی و نحوی؛ مثل فرایندهای واجی، انواع فعل، زمان‌ها و وجوه افعال، ساختمان و اقسام اسم، انواع ضمائر شخصی و غیر شخصی، صفت‌ها، قیده‌ها، حروف، وندهای تصریفی و اشتقاقی و اعداد زبان یزدی پرداخته می‌شود. در تجزیه و تحلیل قواعد یادشده، از روش‌های دستور توصیفی و منابع معتبر زبان‌شناسی و دستور زبان استفاده شده است. در کاربرد اقسام کلمه، علاوه بر تفاوت‌های ناشی از ویژگی‌های آوایی لهجه بومی، به لحاظ کاربرد، تعدادی از فعل‌ها؛ مانند آیسوندن /?isundæn/ هشتن /heštæn/، خسییدن /xosbidæn/، اسم‌ها و صفت‌ها نیز پربسامد است. در استفاده از پسوند تصغیر (اک:ok) تفاوت‌هایی در مقایسه لهجه یزدی با گویش معیار دیده می‌شود. در لهجه یزدی، غالباً عدد کسری از تکرار دو عدد اصلی به دست می‌آید؛ به طوری که عدد بزرگ‌تر، اول و عدد کوچک‌تر بعد از آن ذکر می‌شود.

کلمات کلیدی: زبان بومی، لهجه یزدی، عناصر زبانی، قواعد دستوری.

۱. دانشجوی دکتری پژوهش‌محور زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

E-mail :mramazankhani@staff.yazd.ac.ir

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

E-mail :sadeghzadeh@iauyazd.ac.ir



۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

زبان از نظر زبان‌شناسی شامل تعداد محدودی قاعده آوایی، معنایی و دستوری است که همراه تعداد محدودی واژه می‌تواند بی‌نهایت جمله بسازد و این جمله‌ها از طریق دستگاه گفتار آدمی تولید می‌شود و واسطه ارتباط میان افراد می‌شوند؛ برای مثال، در زبان فارسی قاعده‌هایی در زمینه جایگاه فاعل، مفعول و فعل در جمله داریم. همین قاعده‌ها به ما می‌گویند که صفت و موصوف و مضاف و مضاف‌إلیه نسبت به هم چگونه قرار می‌گیرند، جای حرف‌های اضافه، حرف‌های ربط، قید و غیره کجاست؛ به این قاعده‌ها «دستور زبان» گفته می‌شود.

زبان در گذر زمان دچار تغییر و تحول می‌شود. از آنجایی که زبان یک پدیده اجتماعی است و اجتماع نیز دائماً در حال تغییر است؛ بنابراین زبان هم پایه‌ی اجتماع دچار تغییر و دگرگونی می‌شود. اصوات زبانی روی هم اثر می‌گذارند و به هم تبدیل می‌شوند یا صوتی به صوت مجاور خود شبیه می‌شود یا صوتی روی صوت قبل از خود یا بعد از خود تأثیر می‌کند و آن را به خود شبیه و یکسان می‌کند یا شباهت خود را از دست می‌دهد. گاهی برای سهولت در امر گفتار، صوتی از زنجیره گفتار حذف می‌شود و گاهی نیز صدایی به آن اضافه می‌گردد. (به این تأثیرگذاری‌ها و تأثیرپذیری‌ها و تغییرات آوایی و تحولات واژگانی، فرآیندهای آوایی گفته می‌شود) (مشکوة‌الدینی، ۱۳۶۴: ۱۰۸).

با توجه به گستردگی و غنای گویش‌های محلی مثل گویش شهر کهن یزد، هدف اصلی این جستار، شناخت مهم‌ترین قواعد دستوری موجود در لهجه مرکزی استان یزد است. دستور زبان در لهجه یزدی تقریباً همانند فارسی معیار است و تفاوت‌هایی که دیده می‌شود، بیشتر به لحاظ آوایی، کاربرد افعال خاص و در برخی موارد نیز تفاوت‌های دستوری و واژگانی است که در این مقاله به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۲-۱. پیشینه تحقیق

درباره زبان یزدی تاکنون تحقیقات و تألیفاتی پدید آمده است که تنها تعداد محدودی از آن به صورت کتاب و بقیه به شکل پایان‌نامه و مقاله تهیه و تدوین شده‌اند؛ از جمله:

(۱) «واژه‌نامه یزدی» (۱۳۸۹) از ایرج افشار که در آن به تعدادی واژه به‌ویژه واژه‌های میبیدی پرداخته و بدان سبب که سال‌ها از یزد دور بوده است، برخی کلمات از نظر آوایی غلط ثبت شده‌اند. (۲) کنایون مزدایور در «واژه‌نامه گویش بهدینان شهر یزد» (۱۳۷۴) به برخی از واژگان زرتشتیان توجه کرده و از نظر زبان‌شناسی بحثی به میان نیامده است. در این کتاب، واژگان در قالب جمله بازسازی شده و شکل درست تلفظ آن‌ها ثبت شده است. (۳) سیدعلی نقیب‌القراء، پایان‌نامه «بررسی گویش یزدی» (۱۳۷۵)

را تدوین نموده که تا حدودی به مبحث فرایندهای واجی و زبان‌شناختی گویش یزدی پرداخته است. این کار به صورت محدود پژوهش شده و چاپ نشده است. ۴) فخرالسادات خامسی‌هامانه در «تحلیل زبان‌شناختی گویش یزدی» (۱۳۹۲) نیز از نظر زبان‌شناختی و فقه‌اللغه به برخی از واژگان یزدی پرداخته و در پایان، به بعضی از ترکیبات و کنایات یزدی به شکل محدود اشاره کرده است. از آنجا که مبحث گویش‌ها و لهجه‌ها ابعاد گوناگونی دارند، هنوز جای آن است که به شکل علمی‌تری به آن‌ها پرداخته شود.

۳-۱. روش تحقیق

این مقاله از نوع نظری — بنیادی با شیوه تحلیلی-توصیفی است و گردآوری اطلاعات آن بر اساس روش علمی — میدانی (Field study) به شکل صوری و مکانیکی به صورت بسیار گسترده انجام شده است. از نظر فردینان دو سوسور، وظیفه زبان‌شناس کشف قوانین کلی زبان از طریق بررسی گفته‌های متعدد است. بدین ترتیب، ارتباط زبان با واقعیت خارجی قطع می‌شود و زبان دارای نظامی مستقل و قابل کشف تلقی می‌گردد (نک. بی‌برویش، ۱۳۷۰: ۷۷).

بدین منظور، ابتدا تحقیقات میدانی به شیوه مکانیکی و صوری انجام شد و اطلاعات شفاهی از طریق گویشوران مختلف از طبقات اجتماعی، فرهنگی، اقلیت دینی زرتشتی و نیز سنین متفاوت و با جنسیت‌های مختلف (بی‌سواد و سالخورده و حتی باسواد) گردآوری گردید. پژوهش در آغاز با تحقیقات وسیع از گویشورانی که اغلب خود و والدینشان سال‌ها در منطقه زیسته‌اند و شاید بتوان گفت تقریباً از گویش معیار دور مانده و کمتر تأثیر پذیرفته‌اند و نیز از نظر تلفظ آواها مشکلی نداشته‌اند، انجام شده است. ضمناً روش مکانیکی (Direct Mechanical Method) عمدتاً به دو شیوه محض و هدایت‌شده انجام می‌شود. شیوه مکانیکی محض بیشتر از ضبط نمونه‌هایی از گفتار عادی گویشوران در محیط ادای پاره‌گفتار برای استخراج و بررسی آواها استفاده می‌شود. شیوه مکانیکی هدایت‌شده، بیشتر به منظور فراهم کردن شواهدی برای ویژگی‌های زبانی و فرایندهای واجی از طریق ضبط گفتار گویشوران به کار گرفته می‌شود (نک. پاک‌نژاد و ویسی، ۱۳۹۵: ۳).

از این‌رو، جمع‌آوری اطلاعات شفاهی بیشتر از طریق ضبط گفته‌های گویشوران در چارچوب قصه‌گویی، گفتن خاطره و سرگذشت و یا بیان برخی جملات از قبل تعیین‌شده و نیز از طریق یادداشت‌برداری بوده و در مواردی اندک، به علت نوع مخاطب که اغلب سالخورده و گاه بی‌سواد بوده‌اند، از روش پرسش‌نامه‌ای استفاده شده است. بعد از آوانویسی دقیق واژه‌ها، سعی شده مفاهیم کلمات نیز به‌گونه‌ای دقیق و مستدل و با استناد به کتب فرهنگ زبانی مرجع؛ از جمله کتاب دستور زبان فارسی، واژگان و پیوندهای ساختی (مشکوٰۃ الدینی، ۱۳۸۴)، کتاب واژه‌نامه (افشار، ۱۳۸۹)، دستور تاریخی

زبان فارسی (ابوالقاسمی، ۱۳۸۷) و کتاب تحلیل زبان‌شناختی گویش یزدی، (خامسی همامانه ۱۳۹۲) نوشته و در برخی موارد به چند مفهوم یک واژه اشاره شود؛ با این توضیح که در آغاز، جدولی از صورت آوایی واج‌ها و آواهای مرتبط ذکر گردیده است. همچنین در مبحث فرایندهای واجی، دستوری و زبان‌شناختی، سعی شده تا نکات دستوری، بیشتر در قالب جملات و مثل‌های کوتاه با صورت‌های آوایی دقیق - که از لابه‌لای گفتار گویشوران متعدد به دست آمده - توضیح داده شود.

۱-۴. مبانی نظری تحقیق

زبان‌ها تحت تأثیر عوامل و شرایط بیرونی و درونی و موقعیت‌های زمانی و مکانی، دارای گونه‌ها، گویش‌ها و لهجه‌های مختلف هستند که به طور کوتاه به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱-۴-۱. گونه، گویش و لهجه

گونه‌ها آشکال زبانی هستند که با توجه به موقعیت‌ها، زمان‌ها و مکان‌ها و شرایط خاص به کار برده می‌شوند. گویش، به شکل‌هایی از زبان گفته می‌شود که علاوه بر تلفظ و لهجه، در انتخاب کلمات و قواعد دستوری نیز با هم فرق داشته باشند. لهجه، بیشتر به جنبه‌های تلفظی محدود است و مشخص می‌کند که متکلم از نظر منطقه‌ای یا اجتماعی اهل کجاست؛ درحالی‌که گویش، ویژگی‌های دستوری و واژگانی و همچنین تلفظی را در بر می‌گیرد (نک. مشکوة‌الدینی، ۱۳۸۶: ۲). در واقع، «به گونه زبانی خاص هر ناحیه جغرافیایی، لهجه گفته می‌شود» (همان: ۲۴).

زبان با لهجه‌های دیگر آن زبان، هسته ارتباطی مشترک دارد ولی گویش‌های یک کشور با یکدیگر و با زبان رسمی، هسته ارتباطی مشترک ندارند؛ یعنی سخن‌گویان آن‌ها جز در موارد حاشیه‌ای، بدون آموزش، سخن یکدیگر را نمی‌فهمد (نک. باطنی، ۱۳۷۴: ۲۸).

البته لهجه‌ها بر سه گونه‌اند: فردی، محلی و اجتماعی. (۱) لهجه فردی: اصولاً «هیچ دو نفری که اهل یک زبان هستند، دقیقاً مانند هم صحبت نمی‌کنند. بنابراین می‌توان گفتار هر فرد را به اعتبار تفاوت‌هایی که با دیگران دارد، هرچند ناچیز باشد، لهجه فردی آن شخص نامید» (همان: ۲۴). (۲) لهجه محلی: «لهجه‌های فردی را می‌توان در گروه‌های بزرگ‌تری طبقه‌بندی کرد. مهم‌ترین ملاک این طبقه‌بندی عامل مکانی است؛ یعنی می‌توان لهجه‌های فردی را به اعتبار تنوع جغرافیایی آن‌ها در گروه‌های بزرگ‌تری قرار داد و هر گروه را یک لهجه محلی نامید؛ مانند اصفهانی، شیرازی، یزدی و غیره». (۳) لهجه اجتماعی: که به جایگاه طبقه اجتماعی و سخن‌گویان آن زبان خاص بستگی دارد (همان: ۲۴-۲۵). از این رو، «حد و مرز زمانی گویش‌ها نیز به همان اندازه مبهم و نامشخص است که حد و مرز جغرافیایی آن‌ها. تغییرات آوایی هم مثل هر تغییر زبان‌شناختی دیگر، می‌باید در محدوده زمانی معینی آغاز شوند و در همان محدوده نیز به پایان برسند، درست به همان صورت که تغییرات

مزبور می‌باید در گستره جغرافیایی مشخصی اتفاق افتند)) (روبینز، ۱۳۷۰: ۴۰۲-۴۰۳).

۱-۴-۲. لهجه یزدی

یکی از گونه‌های زبان فارسی مرکزی به شمار می‌رود که در استان یزد رایج است. مردم بومی استان یزد، به استثنای زرتشتیان و یهودیان یزد و مردم شهرستان‌های خاتم و ابرکوه به زبان فارسی یا لهجه مخصوص خودشان تکلم می‌کنند. خصوصیت اصلی زبان یزدی و تفاوت عمده آن با فارسی معیار به جز تفاوت آوایی و واژگانی، در تکیه و آهنگ کلام است. از این رو، زبان یزدی را بیشتر باید لهجه دانست تا گویش ویژه؛ زیرا تفاوت اصلی آن در مقایسه با گویش معیار، در ویژگی‌های آوایی، بعضی مختصات صرفی و نحوی و کاربرد تعدادی واژگان بومی است. البته زبان یزدی، گویای یک زبان غنی و کهن ایرانی است که روزگاری دراز در پهنه گسترده‌ای و در بین عده زیادی از مردم رواج داشته است و متأسفانه اکنون تحت تأثیر عوامل و شرایط عصر امروز در حال ویرانی و فراموشی است.

زبان‌شناسان، نیم‌زبان‌های (لهجه‌های) جدید ایرانی را به دو دسته باختری و خاوری تقسیم کرده‌اند. زبان یزدی جزو نیم‌زبان‌های مرکزی دسته باختری است که در بخش باختری فلات ایران تا حدود مرزهای عراق رواج دارد. نکته قابل ذکر این است که در بیشتر نیم‌زبان‌های مرزی، آثار دیرینگی و آمیختگی کمتری با زبان عربی دیده می‌شود (نک. ارانسکی، ۱۳۷۸: ۴۸).

یکی دیگر از خصوصیات بارز چنین زبانی، وجود زبان زرتشتیان ساکن این منطقه، به عنوان یکی از قدیمی‌ترین ساکنان این سرزمین است. زرتشتیان استان یزد در میان خود، به زبان نیاکا نشان سخن می‌گویند. یدالله ثمره در مطالعات زبانی خود می‌نویسد: «زبان‌های ایرانی را با توجه به ویژگی‌های متفاوت آن‌ها در دو شاخه شرقی و غربی طبقه‌بندی کرده‌اند و گویش یزدی — که جزو نیم‌زبان‌های مرکزی دسته باختری محسوب می‌شود — دارای ویژگی‌های خاص گویشی است که به علت هم‌زیستی درازمدت با زبان دری زرتشتی، دارای فهرست بلندی از واژگان با بار معنایی، فرهنگی و ساخت آوایی متمایز است» (ثمره، ۱۳۶۹: ۵۱).

۱-۴-۳. عناصر زبانی

از دیدگاه زبان‌شناسی، زبان، دارای سه سطح اصلی است: آوایی، دستوری و معنایی. واحدهای زبانی را نیز بیشتر به هفت طبقه تقسیم و بررسی می‌کنند: ۱. واجی، ۲. هجایی، ۳. تکواژی، ۴. واژگانی، ۵. گروه، ۶. بند و ۷. جمله. با این حال، واحدهای اصلی دستوری را تکواژ، واژه، گروه و جمله می‌دانند و مقولات واژگانی را هم به پنج دسته تقسیم می‌کنند: اسم، فعل، صفت، قید و حرف. (نک. احمدی گیوی و انوری، ۱۳۸۵: کلیات).

۱-۴-۴. قواعد دستوری

دستور زبان، بخشی از زبان‌شناسی است که در باره ساختمان آوایی، صرفی و نحوی و معنایی بحث می‌کند و به توصیف قواعد، ویژگی‌ها و کارکردهای ارکان و اجزای زبانی می‌پردازد. دستور زبان معمولاً دارای سه بخش اصلی است: واجی، صرفی و نحوی (نک. فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۳۰).

۲. بحث

۱-۲. فعل

ساختمان فعل در زبان یزدی با فارسی معیار، تفاوت چندانی ندارد. افعال در گویش یزدی نیز به سه شکل ساده، پیشوندی و مرکب هستند ولی در صرف، تفاوت‌های آوایی زیادی در آن دیده می‌شود. علاوه بر تفاوت‌های آوایی، تعداد محدودی از افعال هستند که از فارسی پهلوی در گویش یزدی باقی‌مانده‌اند ولی در فارسی معیار کاربردی ندارد.

ایسوندن /?isundæn/ یا هشتن /heštæn/ و غیره از این نمونه‌اند که در صرف افعال از آن‌ها استفاده می‌شود. هشتن /heštæn/ از نمونه فعل‌های متروک است که هنوز در بخشی از گویش‌های ایرانی؛ از جمله گویش یزدی پرکاربرد است. هرن می‌نویسد: «از مصدر هشتن و هلیدن. فارسی میانه /hištan/ و نیز /hil/ امر به گذاشتن (Horn, 1893: 1097)».

۱-۲-۱. ستاک

ستاک فعلی شامل ستاک حال و ستاک گذشته می‌شود. در این گویش، زبان‌های مضارع اخباری و مضارع التزامی و آینده و فعل‌های امر از ستاک حال ساخته می‌شود و در زمان‌های گذشته ساده، گذشته استمراری، گذشته نقلی و گذشته بعید از ستاک گذشته استفاده می‌شود که در زیر چند مثال از ستاک حال و گذشته بیان می‌شود:

ستاک گذشته	ستاک حال	مصدر فعل
هش /heš/ «گذاشت»	هل /hel/ «بگذار»	هستن /heštæn/ «گذاشتن»
خورد /xord/ «خورد»	خور /xor/ «خور»	خوردن /xordæn/ «خوردن»
دوخ /dux(t)/ «دوخت»	دوز /duz/ «دوز»	دوختن /duxtaen/ «دوختن»
خسید /xosbid/ «خواید»	خُسب /xosb/ «خواب»	خسیدن /xosbidæn/ «خوایدن»

اصلی‌ترین ویژگی‌های دستوری در لهجهٔ یزدی (ص ۷۱-۹۸)-----صدیقه رضانخانی و همکار ۷۷

وندهای تصریفی: وندهای وجه‌نمای «می» /mi-/ و «بِ» /be-/, وندهای نفی و شناسه‌های فعل (وندهای تصریفی) نامیده می‌شوند.

۲-۱-۲. وندهای وجه‌نما

وندهای وجه‌نما در لهجهٔ یزدی، مانند فارسی معیار، «می» /mi-/ و «بِ» /be-/ هستند که /mi-/ بر سر افعال مضارع اخباری و گذشتهٔ استمراری و /be-/ بر سر افعال مضارع التزامی و امر درمی‌آید. تفاوت عمده آن است که این تکواژها هر کدام در لهجهٔ یزدی چهار گونه‌وارند. در اینجا چند مثال برای هر کدام می‌آوریم:

الف) می /mi-/ :

/mi/	→	/mi-/	بدون /mi/
			تغییر:

/mixisæd/	→	/mixisε/	می‌خیسه
			«می‌خیسد»

/minešinæd/	→	/mišinε/	می‌شینه
			«می‌نشیند»

/mi-/	→	/mo-/	۲. تبدیل /mi-/ به /mo-/ :
-------	---	-------	---------------------------

/mixoræd/	→	/moxore/	مُخوره «می‌خورد»
/migorizæd/	→	/mogorizε/	مُگَریزه «می‌گریزد»

/mi-/	→	/me-/	۳. تبدیل /mi-/ به /me-/ :
-------	---	-------	---------------------------

/mitærsæd/	→	/metærsε/	مِترسه «می‌ترسد»
/mikaræd/	→	/mekkarε/	مِگاره «می‌کارد»

/mi-/	→	/mu-/	۴. تبدیل /mi-/ به /mu-/ :
-------	---	-------	---------------------------

/mixanæd/ → /muxunε/ مُخونَه
 «می‌خواند»

/mikubæd/ → /mukkuwε/ مُکُووه «می‌کوبد»

ب (ب) /be-/ :

/be-/ → /be-/ ۱. /be-/ بدون

تغییر:

/bekar/ → /bekkar/ بگار «بکار»

/bedar/ → /bedær/ بدر «بدر» — پاره

کن

/be-/ → /bi-/ ۲. تبدیل /be-/ به

/bi-/ :

/begir/ → /bigir/ بیگیر «بگیر»

/benešin/ → /bišin/ بیشین «بنشین»

/be-/ → /bo-/ ۳. تبدیل /be-/ به

/bo-/ :

/begir/ → /bexor/ بُخور «بخور»

/begoriz/ → /bogoriz/ بُگَریز «بگریز»

/be-/ → /bi-/ ۴. تبدیل /be-/ به

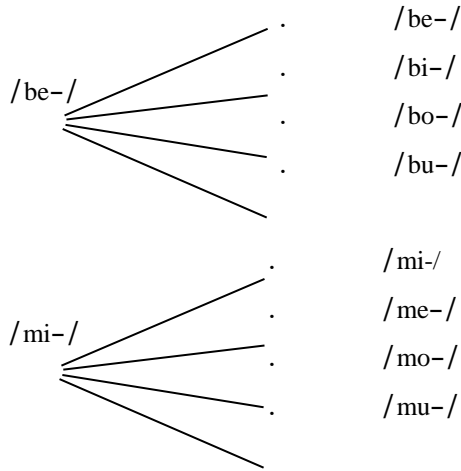
/bu-/ :

/bexan/ → /buxun/ بوخون «بخوان»

/begu/ → /bugu/ بُگُو «بگو»

بنابراین، تکواژهای وجه‌نمای «می» /mi-/ و «ب» /be-/ را می‌توان به شکل زیر خلاصه

نمود:



۲-۳. تکواژ منفی

تکواژ، کوچک‌ترین واحد معنی‌دار زبان است که نباید با واژه یکی دانست. تکواژ از یک یا چند واج ساخته می‌شود(نک. وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۷۹: ۸). واژه ممکن است از چند تکواژ درست شده باشد؛ مثلاً واژه «می‌خندیم» دارای سه تکواژ است: می + خند + ایم یا جمله «از این راه باید رفت» دارای پنج واژه است. حال اگر هر یک از اجزای تکواژ را تجزیه کنیم «واج» نامیده می‌شود. به زبان دیگر، صداهایی که سبب تمایز معنای دو واژه یا تکواژ می‌گردند، واج نامیده می‌شوند؛ مثلاً جفت‌واژه‌های سر. سیر؛ سیر. سور؛ سار. زار؛ زار. زر؛ زر. پر؛ پر. پور؛ و غیره تنها در یک واج با هم اختلاف دارند و به دلیل همان یک اختلاف، بین آن‌ها تمایز معنایی ایجاد شده است(همان: ۹).

تکواژ منفی در لهجه یزدی همانند فارسی /næ-/ است که به صورت پیشوند قبل از فعل، اضافه می‌شود. لازم به ذکر است که در یزدی، گونه /nɛ-/ نیز کاربرد فراوانی دارد؛ بنابراین، این تکواژ در یزدی دو گونه /næ-/ و /nɛ-/ دارد.

الف) چند مثال از تکواژ منفی /næ-/
 /næ-/ → /næ-/
 : /næ-/

/næmikonæd/	→	/næmokonɛ/	نَمَكُنَه «نمی‌کند»
/næmišinæd/	→	/næmišinɛ/	نَمِشینه «نمی‌نشیند»
/næmirævæd/	→	/næmerɛ/	نَمِرِه «نمی‌رود»

ب) تبدیل تکواژ /næ-/ به /nɛ-/
 /næ-/ → /nɛ-/
 : /nɛ-/

/nɛdarɛd/	→	/nɛdarɛ/	نداره «ندارد»
/nɛgu/	→	/nɛgu/	نگو «نگو»
/nɛduz/	→	/nɛduz/	ندوز «ندوز»

۲-۱-۴. شناسه‌های فعلی

شناسه‌های فعلی در این لهجه عبارتند از:

فارسی معیار	آوانگاری لهجه یزدی	لهجه یزدی
- ام	/-æm/	- ام
- ای	/-i/	- ای
- اد	/-ɛ/	- آ
- ایم	/-em/	- ام
- اد	/-ed/	- اد
- آند	/-æn/	- آن

این شناسه‌ها به ستاک فعل در زمان‌های مضارع اخباری، التزامی، آینده، گذشته نقلی و گذشته بعید به کار می‌روند که فقط به صرف یک نمونه از آن‌ها اکتفا می‌کنیم:

فارسی معیار	آوانگاری لهجه یزدی	لهجه یزدی
می‌روم	/meræm/	مِرَم
می‌روی	/miri/	مِری
می‌رود	/merɛ/	مِرِه
می‌رویم	/merem/	مِرِم
می‌روید	/mered/	مِرِد
می‌روند	/meræn/	مِرَن

لازم به ذکر است که شناسه فعلی در گذشته ساده و استمراری همانند مضارع است، به جز در سوم شخص مفرد که /-φ/ شناسه صفر است؛ یعنی تکواژی به ستاک فعل افزوده نمی‌شود؛ مانند:

فهرست فارسی معیار	آوانگاری لهجه یزدی	لهجه یزدی	
خوردم	/xord.æm/	خوردَم	مفرد
خوردی	/xord.i/	خوردی	
خورد	/xord.ɸ/	خورد	
خوردیم	/xord.em/	خوردِم	جمع
خوردید	/xord.ed/	خوردِید	
خوردند	/xord.æn/	خوردن	

۲-۱-۵. زمان و وجه فعل

زمان‌هایی که در این لهجه به کار می‌روند، مانند فارسی معیار از ستاک‌های حال و گذشته افعال ساخته می‌شوند و دارای وجه‌های اخباری، التزامی و امری هستند.

۱. زمان‌هایی که از ستاک حال (مضارع) به دست می‌آید:

الف) مضارع اخباری: مضارع اخباری، عملی است که در حال و یا آینده انجام می‌شود. مضارع اخباری از پیشوند می /-mi-، ستاک مضارع و شناسه‌های فعلی به دست می‌آید.

مثال: بردن /bordæn/ («بردن»):

فهرست فارسی معیار	آوانگاری لهجه یزدی	لهجه یزدی	
می‌برم	/meberæm/	میبرَم	مفرد
می‌بری	/meberi/	میبری	
می‌برد	/meberɛ/	میبره	
می‌بریم	/meberem/	میبرِم	جمع
می‌برید	/mebered/	میبرِید	
می‌برند	/meberæn/	میبرن	

ب) مضارع التزامی: مضارع التزامی از ترکیب پیشوند be- و ستاک مضارع و شناسه‌های فعلی ساخته می‌شود.

مثال: نشستن /nešessæn/ («نشستن»):

فارسی معیار	آوانگاری لهجه یزدی	لهجه یزدی	
بنشینم	/bišinəm/	بیشینم	مفرد
بنشینی	/bišini/	بیشینی	
بنشیند	/bišinə/	بیشینه	
بنشینیم	/bišinəm/	بیشینیم	جمع
بنشینید	/bišined/	بیشینید	
بنشینند	/bišinəm/	بیشینن	

ب) مضارع مستمر: مضارع مستمر، عملی است که هم‌اکنون در حال انجام است. این زمان از ستاک مضارع فعلی «داشتن» و شناسه‌های فعلی و ترکیب مضارع اخباری سایر افعال به‌دست می‌آید. مثال: رفتن /ræftæn/ «رفتن»:

فارسی معیار	آوانگاری لهجه یزدی	لهجه یزدی	
می‌رویم	/daræm meræm/	دارم مرم	مفرد
می‌روی	/dari miri/	داری می‌ری	
می‌رود	/darə merə/	داره مِرّه	
می‌رویم	/darem merem/	دارم مِرم	جمع
می‌روید	/dared mered/	دارد مِرد	
می‌روند	/daræn meræn/	دارن مِرن	

مثلاً گفته می‌شود:

«داری چه کار می‌کنی؟»	/dari čeka mokoni/	- داری چکا مکنی؟
«مشق‌هایم را می‌نویسم»	/daræm məšqama menvesæm/	- دارم مشقاما منویسم

د) آینده: در زبان یزدی، مضارع اخباری برای زمان آینده نیز به‌کار می‌رود و فقط با قید آینده یا در بافت جمله می‌توان مضارع بودن یا آینده بودن آن را تشخیص داد. در این گویش، برای ساخت زمان آینده از فعل معین «خواه» استفاده نمی‌کنیم؛ مثال از فعل «رفتن» در مضارع و آینده:

مضارع: - من هر رو با چرخ مرم مدرسه. /mæn hæ ru ba čærx meræm mædræse/

«من هر روز با دوچرخه به مدرسه می‌روم.»

- من فردا با چرخ مَرَمِ خونه نناغا. / mæn fæɾda ba čærx meræm xunɛ nænaya/

«من فردا با دوچرخه به خانه مادر بزرگ خواهم رفت (می‌روم).»

ه (وجه امری: وجه امری به صورت مفرد (دوم شخص مفرد) و جمع (دوم شخص جمع) به کار می‌رود. امر مفرد از ترکیب پیشوند ب /be-/ و ستاک مضارع و شناسه صفر /-φ/ به کار می‌رود و در جمع از ترکیب پیشوند ب /be-/ و ستاک مضارع و شناسه -اد /-ed/ به دست می‌آید.

فهرست فارسی معیار	آوانگاری لهجه یزدی	لهجه یزدی	
بنشین	/biʃin/	بیشین	مفرد
بنشینید	/biʃined/	بیشیند	جمع

۲. زمان‌هایی که از ستاک گذشته (ماضی) ساخته می‌شوند:

الف) گذشته ساده: این زمان از ستاک گذشته فعل و شناسه‌های فعلی به دست می‌آید.

مثال: ایسوندن /?isundæn/ («گرفتن؛ خریدن»):

فهرست فارسی معیار	آوانگاری لهجه یزدی	لهجه یزدی	
گرفتم	/?sundæm/	ایسوندم	مفرد
گرفتی	/?isundi/	ایسوندی	
گرفت	/?isun/	ایسون	
گرفتم	/?isundem/	ایسوندم	جمع
گرفتید	/?isunded/	ایسوندید	
گرفتند	/?isundæn/	ایسوندن	

ب) گذشته استمراری: این زمان از ترکیب پیشوندی می /mi-/ و ستاک گذشته فعل و شناسه‌های فعلی به دست می‌آید. گذشته نقلی نیز از نظر صرف با گذشته یکسان است. فقط در سوم شخص مفرد، تکواژ /-ɛ/ به آن اضافه می‌شود.

مثال: دُوویدن /dowidæn/ («دویدن»):

فارسی معیار	آوانگاری لهجه یزدی	لهجه یزدی	
می‌دویدم	/medowidæm/	مدوویدم	مفرد
می‌دویدی	/medowidi/	مدوویدی	
می‌دوید	/medowid/	مدووید	
می‌دویدیم	/medowidem/	مدوویدم	جمع
می‌دویدید	/medowided/	مدوویدید	
می‌دویدند	/medowidæn/	مدوویندن	

مثلاً می‌گوییم:

- من پارسال شَمبَا تو پارک مدوویدم. /mæn parsal shæmba tu park medowidæm/

(«من پارسال شنبه‌ها توی پارک می‌دویدم.»)

ج) گذشته مستمر: این زمان از ستاک گذشته فعل داشتن و شناسه فعلی و ترکیب پیشوند می -mi/

/ و ستاک گذشته بقیه افعال و شناسه‌های فعلی به دست می‌آید.

مثال: خوردن /xordæn/ («خوردن»):

فارسی معیار	آوانگاری لهجه یزدی	لهجه یزدی	
داشتم می‌خوردم	/daštæm moxordæm/	داشتم مُخوردَم	مفرد
داشتم می‌خوردی	/dašti moxordi/	داشتمی مُخوردی	
داشتم می‌خورد	/daš moxord/	داشتم مُخورد	
داشتمیم می‌خوردیم	/daštem moxordem/	داشتمیم مُخوردیم	جمع
داشتمید	/dašted moxorded/	داشتمید مُخوردید	
داشتمیدند	/daštæn moxordæn/	داشتمیدند مُخوردند	

د) گذشته بعید: این زمان از ترکیب صفت مفعولی (ستاک گذشته + تکواژ /-ɛ/) و گذشته فعل

(«بودن») و شناسه‌های فعلی ساخته می‌شود. تکواژ /-ɛ/ در واقع همان «سه» پسوند (تکواژ) صفت

مفعولی است که به ستاک گذشته فعل افزوده می‌شود و در یزدی، تمامی «سه»‌های پایانی کلمه به -/

/ɛ/ تبدیل می‌شود.

مثال: شنفتن /šenoftæn/ («شنیدن»):

فارسی معیار	آوانگاری لهجه یزدی	لهجه یزدی	
شنیده بودم	/šenoftɛ budæm/	شنفته بودم	مفرد
شنیده بودی	/šenoftɛ budi/	شنفته بودی	
شنیده بود	/šenoftɛ bu/	شنفته بو	
شنیده بودیم	/šenoftɛ budem/	شنفته بودم	جمع
شنیده بودید	/šenoftɛ buded/	شنفته بودد	
شنیده بودیدم	/šenoftɛ budæn/	شنفته بودن	

مثلاً می‌گوییم: قصه‌ای که آغابزرگ گفت، شنفته بودم. /qesseyi ke ?aya bozor(g) gof.

šenoftɛ budæm/

«این قصه‌ای که پدر بزرگ گفت، شنیده بودم.»

۲-۲. اسم

اسم در لهجه یزدی فقط از نظر نشانه جمع، اضافه و معرفه و نکره با فارسی معیار اختلاف دارد که مختصراً به آن اشاره می‌شود.

۲-۲-۱. نشانه جمع

اسم مفرد، هیچ نشانه خاصی ندارد. اسم جمع با افزودن تکواژ /-a/ که در واقع، شکل کوتاه شده‌ها /-ha/ / فارسی معیار است، به دست می‌آید. در این لهجه، نشانه‌های جمع -ان /-an/ و نشانه‌های جمع عربی کاربردی ندارد. اسامی ای که به همخوان ختم شوند، فقط با افزودن تکواژ /-a/ به آخرشان جمع بسته می‌شوند، ولی اگر اسم به واکه ختم شده باشد، با افزودن تکواژ /-a/ ممکن است تغییراتی در آن حاصل شود که به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) اسامی که به همخوان ختم می‌شوند، فقط نشانه جمع /-a/ به آن‌ها افزوده می‌شود.

/sær + /sɛra/ → a/ سرا «سرها»

/mix + /mixa/ → a/ میخا «میخ‌ها»

/kowš + /kowša/ → a/ کوشا «کفش‌ها»

ب) اسامی که به واکه ختم می‌شوند، با افزودن نشانه جمع، تغییراتی در آن‌ها ایجاد می‌شود:

/seda + /seda:/ → a/ صدا «صداها»

/xunɛ + /xuna/ → a/ خونا «خانه‌ها»
 /kili + /kiliya/ → a/ کیلیا «کلیدها»

۲-۲-۲. نشانه اضافه

نشانه اضافه در لهجه یزدی، همانند فارسی معیار، همان کسره اضافه (/ -e/) است که به آخر مضاف افزوده می‌شود. لازم به ذکر است در این لهجه، اگر مضاف به واکه ختم شده باشد، کسره (/ -e/) بین مضاف و مضاف‌إلیه حذف می‌شود.

الف) اسامی مختوم به همخوان:

چشم علی /čəš.e ali/ «چشم علی» / کتاب من /ketab.e mæn/ «کتاب من»

ب) اسامی مختوم به واکه:

صدا علی /seda ali/ «صدای علی» / خونه رضا /xunɛ reza/ «خانه رضا» / کا گندم /ka gændom/ «کا گندم»

۲-۲-۳. معرفه و نکره

الف) نشانه معرفه: در لهجه یزدی، نشانه معرفه در اکثر موارد پسوند «اَ / -ɛ/» که به آخر کلمه افزوده می‌شود و آن را معرفه می‌سازد؛ مانند:

- دختره /doxtɛr.ɛ/ «آن دختر؛ دختری که برای ما شناخته شده است.»

- ماشین مال کیه؟ /mašin.ɛ male kiye/ «آن ماشین مال کیست؟»

صفات اشاره این /in/ «این» و اون /ʔun/ «آن» نیز اسم بعد از خود را معرفه می‌کنند؛ مانند:

- اون شفتالو خیلی خوش بو. /ʔunšɛftalu xeyli xaš bu/ «آن هلو خیلی خوشمزه بود.»

اسم اگر با نشانه مفعولی «را» بیاید یا با صفت مفعولی همراه باشد، معرفه می‌گردد؛ مانند:

- مشقاتا نوشتی؟ /mæšqata nevešti/ «تکالیفت را نوشتی؟»

- با چرخم مرم مدرسه. /ba čarxom meræm madrɛsɛ/ «من با دوچرخه‌ام به مدرسه می‌روم.»

ب) نشانه نکره: در لهجه یزدی، معمولاً نشانه‌های نکره «یتا /yæta/»، «یکی /yɛki/» و «ی /yæ/» استفاده می‌شوند. البته مانند فارسی معیار از پسوند نکره «-ی /-i/» نیز استفاده می‌شود که کاربرد کمتری دارد.

در زیر برای هر کدام یک مثال ذکر می‌کنیم:

— یتا مرتیکه رو پشت بون بو. /yæta martikɛ ru pošte bun bu/ «مردی روی پشت‌بام بود.»

پسوند ok در مفهوم کاف تصغیر است.

— یَشُو دیر رفتم خونه، بابام جنگم کرد. /yæšow dir ræftæm xunε, babam jængom kerd/

«شبی دیر به خانه رفتم، پدرم مرا دعوا کرد.»

— کتابی بخر که قِصّاش خَش با شه. /ketabi bexær ke qessaš xæš bašɛ/ «کتابی بخر که

قصّه‌های آن جالب باشد.»

۲-۲-۴. ساختمان اسم

ساختمان اسم در لهجه یزدی به سه دسته تقسیم می‌شود و از این نظر با فارسی معیار تفاوتی

ندارد.

الف) ساده: - خَش /xæš/ («خوش؛ خوشمزه؛ زیبا») / - خَش /xoš/ («خشک»)

ب) مرکب: — کولوخ کو /kuluɾyku/ («کلوغ‌کوب») / گوشکو /gušku/ («گوشت‌کوب») / گلپیز

/golbiz/ («بیدمشک»)

ج) مشتق: پشته /poštɛ/ («خار و خاشاکی که انباشته کنند و بر پشت نهند»).

۲-۲-۳. صفت

صفت در لهجه یزدی از نظر انواع و کاربرد، با فارسی معیار تفاوت چندانی ندارد. فقط در بخش صفت

برتر و برترین، تفاوت کمی وجود دارد که به آن اشاره می‌شود.

در این لهجه نیز مانند فارسی معیار، موصوف قبل از صفت و همراه با کسره می‌آید. کاربرد این

کسره در ترکیب با واژگان، همانند کسره اضافه است که در (۲-۲-۲) به آن اشاره شد.

بنابراین، در این بخش به ذکر چند نمونه از صفت و موصوف و صفت برتر و صفت برترین اکتفا

می‌شود:

— ما شین گنده /mašine gondɛ/ («ما شین بزرگ») / رینگ سفید /ræynge sifid/ («رنگ

سفید»). مو سیاه /mu siya/ («موی سیاه»)

نشانه صفت تفصیلی (برتر) در گویش یزدی، مانند فارسی معیار («تر /-tær/») است که به آخر

صفت مطلق افزوده می‌شود؛ ولی نشانه صفت عالی («ترین /-tærin/») در لهجه یزدی کاربرد

چندانی ندارد و به جای آن، بیشتر از عبارت («از همه» /-æz hæmɛ/ - استفاده می‌شود که قبل از

صفت تفصیلی اضافه می‌گردد و آن را به صفت عالی تبدیل می‌کند؛ مانند:

- خونه ما از خونه شما گنده‌تره. /xunε ma æz xunεšoma gondɛtere/ («خانه ما از خانه شما

بزرگ‌تر است.»

گاهی «از» در این مقایسه حذف می‌گردد و به جای آن به آخر صفت برتر کسره اضافه می‌گردد. — خونه ما گنده‌ترِ خونه شماهه. /xunə ma gondetere xunəšoma hɛ/ «خانه ما بزرگ‌تر از

خانه شماست.»

— این خونه از همه گنده‌تره. /ʔin xunə ʔæz hæmɛ gondetere/ . این بزرگ‌ترین خانه است.»

عبارت «از همه» به بندرت بعد از صفت تفضیلی (برتر) به کار می‌رود و آن را به صفت عالی (برترین)

تبدیل می‌کند؛ مانند: ممد زرین‌تر از همه هه. /mæmmæd zɛræynter ʔæz hæmɛ hɛ/ «محمد از

همه زرنگ‌تر است.»

۲-۲-۴. ضمائر

ضمایر در لهجه یزدی، همانند فارسی معیار، شامل ضمائر شخصی فاعلی، مفعولی، ملکی، ضمائر

منفصل و متصل و ضمائر اشاره و پرسشی و مبهم و غیره می‌شود که بجز تغییرات آوایی، تفاوت

چندانی با فارسی معیار ندارند.

۲-۲-۴-۱. ضمائر شخصی منفصل: ضمائر شخصی منفصل در این گویش با فارسی معیار یکسان

است؛ به جز سوم شخص جمع که تفاوت آوایی دارد؛ مانند:

لهجه یزدی	آوانگاری لهجه یزدی	فارسی معیار
من	/mæn/	من
تو	/to/	تو
او	/ʔu/	او
ما	/ma/	ما
شما	/šoma/	شما
اونا / اوشون	/ʔuna/	آن‌ها / ایشان

این ضمائر از نظر نقش هیچ تفاوتی با فارسی معیار ندارند.

۲-۲-۴-۲. ضمائر شخصی متصل: ضمائر متصل در نقش‌های متفاوتی به کار می‌روند که به آن

ها اشاره می‌شود.

الف) نقش فاعلی

فارسی معیار	آوانگاری لهجه یزدی	لهجه یزدی	
آم -	/-æm/	آم -	مفرد
ای -	/-i/	ای -	
آد / - .	/-ɸ/ و /-ɛ/	آ / - .	
ایم -	/-em/	إم -	جمع
اید -	/-ed/	إد -	
اند -	/-æn/	آن -	

این ضمایر در اصل همان شناسه‌های فعلی هستند که در بخش فعل به آن‌ها اشاره گردید. این شناسه‌ها در واقع در دو نقش به کار می‌روند؛ هم شناسه‌های فعلی محسوب می‌شوند و هم نقش فاعل جمله را نشان می‌دهند؛ مانند: هِشْتَم /heštæm/ «گذاشتم = من گذاشتم».

ب) نقش ملکی و مفعولی: این ضمایر متصل همگی از نظر آوایی با فارسی معیار متفاوتند؛ ولی از نظر نقش هیچ تفاوتی ندارند. این ضمایر در صورتی که به اسم افزوده شوند، نقش ملکی و در صورتی که به فعل اضافه گردند، نقش مفعولی به خود می‌گیرند:

فارسی معیار	آوانگاری لهجه یزدی	لهجه یزدی	
م	/-om/	م	مفرد
ت	/-et/	ت	
ش	/-eš/	ش	
مان	/-un/	ئون	جمع
تان	/-etun/	تون	
شان	/-ešun/	شون	

۱) نقش ملکی (اضافی)

فارسی معیار	آوانگاری لهجه یزدی	لهجه یزدی	
مدام	/qælæmom/	قلمم	مفرد
مدادت	/qælæmet/	قلمت	

مدادش	/qælæmeš/	قلمش	
مدادمان	/qælæmun/	قلمون	جمع
مدادتان	/qælæmetun/	قلمتون	
مدادشان	/qælæmešun/	قلمشون	

۲) نقش مفعولی

فارسی معیار	آوانگاری لهجه یزدی	لهجه یزدی	
مرا دید	/didom/	دیدم	مفرد
تو را دید	/didet/	دیدت	
او را دید	/dideš/	دیدش	
ما را دید	/didun/	دیدون	جمع
شما را دید	/didetun/	دیدتون	
آن‌ها را دید	/didešun/	دیدشون	

لازم به ذکر است که در ترکیب این ضمائر متصل با واکه، ممکن است واجی از آن‌ها حذف گردد (در بخش اسم به آن اشاره گردید): مثال:

کیلیم «کلیدم» /kilim/ → /kili + om/

گردوم «گردوی من» /gerdum/ → /gerdu + om/

صدام «صدایم» /sedam/ → /seda + om

۲-۲-۳. ضمائر اشاره: این ضمائر در گویش یزدی و فارسی معیار از نظر کاربرد، یکسان هستند

ولی از نظر آوایی متفاوتند. این ضمائر عبارتند از:

فارسی معیار	آوانگاری گویش یزدی	گویش یزدی	
این	/ʔin/	این	مفرد
آن	/ʔun/	اون	
این‌ها	/ʔina/	اینا	جمع
آن‌ها	/ʔuna/	اونا	

- این مال من نی، اون مال منه. /ʔin male mæn ni, ?un male mæne/

«این مال من نیست، آن مال من است.»

این ضمائر، ترکیبات دیگری چون همین /hæmin/ «همین»، همون /hæmun/ «همان» و... نیز دارند.

۲-۴-۴. ضمائر پرسشی: برخی از ضمائر پرسشی که از نظر آوایی یا واژگانی با فارسی معیار متفاوتند، عبارتند از:

— کدون /kudun/ «کدام»: کدونش مال توهه؟ /kudunəʃ male to he/ «کدامیک مال توست؟»

- چقه /čeqqæ/ «چقدر»: چقه مخوای؟ /čeqqæ moxay/ «چقدر می‌خواهی؟»

— چی چی /چی شی /chiši/ و /čiči/ «چه چیز»: چی شی ایسوندی؟ /čiši ?isundi/ «چه چیز گرفتی؟؛ چی خریدی؟»

۲-۴-۵. ضمائر مبهم: بعضی از ضمائر مبهم که از نظر آوایی یا واژگانی با فارسی معیار متفاوتند، عبارتند از:

- هر که /hærke/ «هر کسی»: - بعضیا /bæziya/ «بعضی‌ها»: - یکسی /yekəsi/ «کسی»

- یچیژی /yečizi/ «چیزی»: - یپارا /yæpara/ «بعضی‌ها»: - هرتا /hæta/ «هر کدام»

یپاره شووا دیر منخبسن و صبا هن دیر ور می‌خیزن.

/yæpara šowwa dir moxosbæno soba hæm dir værmixizæn/

«بعضی افراد شب‌ها دیر می‌خوابند و صبح‌ها هم دیر از خواب بلند می‌شوند.»

۲-۵. قید

در لهجه یزدی، قید از نظر انواع و کاربرد با فارسی معیار تفاوت چندانی ندارد و تفاوت عمده آن آوایی است. البته تفاوت‌های واژگانی هم در این لهجه دیده می‌شود که در زیر به ذکر چند نمونه از آن‌ها اکتفا می‌شود:

۲-۵-۱. قید مکان: قیدهایی که از نظر آوایی یا واژگانی با فارسی معیار متفاوتند، عبارتند از:

لهجه یزدی	آوانگاری لهجه یزدی	فارسی معیار
اونجا	/ʔunja/	آنجا
نزدیک	/nəzik/	نزدیک

اینجا	/ʔinsær/	این سر
آنجا	/ʔunsær/	اون سر
این طرف	/ʔiyæd/	ایید
آن طرف	/ʔuwæd/	اؤود
این طرف	/ʔirasæki/	ایراسکی
آن طرف	/ʔurasæki/	اوراسکی

۲-۵-۲-۲. قید زمان: چند نمونه از قیدهایی که از نظر آوایی با واژگان متفاوتند، عبارتند از:

فارسی معیار	آوانگاری لهجه یزدی	لهجه یزدی
شب	/šow/	شو
همیشه	/hæmæš/	همش
سه روز پیش	/pæs pereyru/	پس پیرو
مدام	/mudum/	مدوم
فردا	/sæba/	صبا
پس فردا	/pæs sæba/	پس صبا
زود	/jældi/	جلدی
بعضی وقت‌ها	/yæpæræ væxta/	پیاره وختا
مدت کمی	/yællok/	یلک

مثال: یلک بیید خونه ما شولی بخورت و برد. /yællok biyed xunə ma šuli boxoret-o bered/

(چند لحظه بیاید منزل ما، شولی (آش) بخورید و بروید.)

۲-۵-۳. قید حالت: چند نمونه از قیدهایی که از نظر آوایی یا واژگانی با فارسی معیار متفاوتند؛ عبارتند از:

فارسی معیار	آوانگاری لهجه یزدی	لهجه یزدی
آهسته آهسته	/ʔassok ʔassok/	آشک آشک
تند، سریع	/ton/	تُن
تندتند، سریع	/tonton/	تُن تُن

سریع، تند و محکم	/šæx/	شخ
این طوری	/?irowwaki/	ایرووکی
آن طوری	/?urowwæki/	اورووکی

مثال: شخ بیا برم، حالی دیه روضه وا می‌ریزه. /šæx biya berem, halidiye rowze vamirize/.
 «زود بیا برویم، نزدیک است که روضه ختم شود (تمام شود).»

۲-۵-۴. قید تشبیه: چند مورد از قید تشبیه که از نظر آوایی یا واژگانی با فارسی معیار متفاوتند، عبارتند از:

لهجه یزدی	آوانگاری لهجه یزدی	فارسی معیار
مِتّ	/messe/	مثل
عَین	/?æyne/	همانند، مثل
طَر	/tære/	مثل
این طری	/?in tæri/	این‌گونه، مثل این

مثال: کار و کردارت باسی مِتّ آدم باشه. /kar o kerdaret basi messe ?adæm baše/.
 «رفتارت باید مثل انسان باشد.»

- رَضُکن طَرِ باباش بیناسه. /rezokæn tære babaš pinasæ/. «رضا هم مانند پدرش خسیس است.»

۲-۵-۵. قید مقدار: برخی از قیود مقدار که به‌گونه‌ای با فارسی معیار متفاوتند، عبارتند از:

لهجه یزدی	آوانگاری لهجه یزدی	فارسی معیار
یتا خالک	/[yæta xalok]/	یک کمی، یک ذره
یتا پَسک	/yæta pessok/	یک ذره
پِخُده / یخُدهک	/[yæxod-ε / -ok]/	یک مقداری
اِقّه	/?eqqæ/	اینقدر
پُری	/pori/	زیاد
پسقالک	/pesqalok/	یک کمی

مثال: شولی پُری نخورین، دلت درد میا. /šuli pori næxoriyæn, delet dærd miay/.
 «شولی (آش) زیاد نخوریا، دل درد می‌شوی.»

۲-۲-۵-۶. قید تردید

فارسی معیار	آوانگاری لهجه یزدی	لهجه یزدی
شاید	/gasini/	گاسینی
شاید	/gas mibini/	گاس می‌بینی
شاید	/ša:d/	شاد

۲-۲-۵-۷. قید نفی

فارسی معیار	آوانگاری لهجه یزدی	لهجه یزدی
نه	/na/	نا
نه	/nɛ/	نه
نخیر	/nɛxey/	نخی
اصلاً	/ʔæssæn/	اصاً

۲-۲-۵-۸. قید تأکید

فارسی معیار	آوانگاری لهجه یزدی	لهجه یزدی
بله	/ha:/	ها
حتماً	/hokmæn/	حکماً

۲-۲-۵-۹. قید علت

فارسی معیار	آوانگاری لهجه یزدی	لهجه یزدی
به خاطر اینکه	/xatiri/	خاطیری
به خاطر	/xatere/	خاطر
به خاطر	/bala/	بالا

مثال: بالا توت سوزک، نیفتی تو حوضک. /bala toote sowzok, neyofiti tu howzok/

«ضرب‌المثل: به خاطر چیزهای کم ارزش، خودت را به خطر نیندازی.»

۲-۲-۶. عدد

در زمینه اعداد، تفاوت عمده بین لهجه یزدی و فارسی معیار، تفاوت‌های آوایی است که در زیر به انواع آن و چند مثال در هر مورد اکتفا می‌شود:

۲-۲-۱. اعداد اصلی: بعضی از اعداد اصلی لهجه یزدی که با فارسی معیار تفاوت آوایی دارند، عبارتند از:

لهجه یزدی	آوانگاری لهجه یزدی	فارسی معیار
یک	/yæk/	یک
چار	/čar/	چهار
پین	/pæyn/	پنج
هف	/hæf/	هفت
هش	/hæš/	هشت
یاژه	/yæzzε/	یازده
دوواژه	/duwazze/	دوازده
سیژه	/sizzε/	سیزده
پونزه	/punzε/	پانزده
شونزه	/šunzε/	شانزده
هبد	/hæbdε/	هفده
هید	/hæydε/	هیجده
بیس	/bis/	بیست
چل	/čel/	چهل
پنجا	/pæynja/	پنجاه
شص	/šæs/	شصت
دیویس	/divis/	دویست
پونصد	/punsæd/	پانصد
هزار	/hæzar/	هزار

۲-۲-۲. اعداد ترتیبی: در این لهجه، عدد ترتیبی با افزودن *-om/* یا *ی اُمی /-omi/* به عدد

اصلی به دست می‌آید. در این لهجه، پسوند *-omin* /-omin/ برای این منظور کاربردی ندارد؛ مثال:

- پسوند *-om* /-om/ :

لهجه یزدی	آوانگاری لهجه یزدی	فارسی معیار
یکم	/yɛkom/	یکم
دویم	/doyyom/	دوم
سیّم	/seyyom/	سوم
چارم	/čarom/	چهارم
هفتم	/hæftæm/	هفتم

- پسوند *-omi* /-omi/ :

لهجه یزدی	آوانگاری لهجه یزدی	فارسی معیار
سیّمی	/seyyomi/	سومین
چارمی	/čaromi/	چهارمی

مثال: کتاب چارمی مال منه . /ketabe čaromi male mænɛ/ «چهارمین کتاب مال من است.»

۲-۶-۳. اعداد کسری: در لهجه یزدی، عمدتاً عدد کسری از تکرار دو عدد اصلی به دست می‌آید؛ به طوری که عدد بزرگ‌تر، اول و عدد کوچک‌تر، دوم می‌آید. در این ترکیب، عمدتاً عدد کوچک‌تر یا به تعبیری صورت کسر، عدد یک است؛ مانند:

لهجه یزدی	آوانگاری لهجه یزدی	فارسی معیار
سه یک	/se yæk/	یک سوم
چار یک	/čar yæk/	یک چهارم

مثال: سه یک مالشا و خف کرده . /se yæke maleša væxf kerde/ «یک سوم اموالش را وقف کرده است.»

نکته قابل توجه در مورد اعداد این است که در لهجه یزدی، بین عدد و معدود، ممیز عددی «تا» به کار می‌رود و واژه «عدد» در این لهجه کاربرد ندارد؛ مثال: پینش تا غوری /pæynš ta γuri/ «پنج عدد قوری».

۳- نتیجه‌گیری

لهجه یزدی از کهن‌ترین و غنی‌ترین زبان‌های مرکزی در فلات باختری ایران به شمار می‌رود که هرچند در مقایسه با گویش معیار فارسی، بیشتر به لحاظ ویژگی‌های آوایی و کاربرد واژگان بومی و تاریخی متفاوت است، اما در برخی موارد، از مختصات صرفی و نحوی نیز برخوردار است. دستور زبان در لهجه یزدی تقریباً همانند فارسی معیار است و اکثر تفاوت‌هایی که دیده می‌شود، آوایی است و در برخی موارد نیز تفاوت‌های دستوری و واژگانی در آن دیده می‌شود.

ساختمان فعل در لهجه یزدی با فارسی معیار تفاوت چندانی ندارد، جز این‌که در صرف فعل تفاوت‌های آوایی زیادی دیده می‌شود. علاوه بر تفاوت‌های آوایی، پاره‌ای از افعال هستند که از فارسی پهلوی در گویش یزدی باقی‌مانده‌اند ولی در فارسی معیار کاربردی ندارند. زمان‌هایی که در این گویش به کار می‌روند، مانند فارسی معیار از ستاک‌های حال و گذشته افعال ساخته می‌شوند و دارای وجه‌های اخباری، التزامی و امری هستند. ساختمان اسم در لهجه یزدی به سه دسته تقسیم می‌شود و از این نظر با فارسی معیار تفاوتی ندارد.

برخی از ضمائر پرسشی از نظر آوایی یا واژگانی با فارسی معیار متفاوتند. در زمینه اعداد، تفاوت عمده بین لهجه یزدی و فارسی معیار، آوایی است. در لهجه یزدی، قید از نظر انواع و کاربرد، با فارسی معیار تفاوت چندانی ندارد و بیشتر تفاوت آوایی دارد.

در اعداد نیز عمده‌ترین تفاوت بین لهجه یزدی و فارسی معیار، آوایی است. در این لهجه، عدد ترتیبی با افزودن *om* / یا *omi* / به عدد اصلی به دست می‌آید. همچنین، پسوند *مین* - / *omin* / برای این منظور کاربردی ندارد. در لهجه یزدی، عمدتاً عدد کسری از تکرار دو عدد اصلی به دست می‌آید؛ به طوری که عدد بزرگ‌تر، اول و عدد کوچک‌تر، دوم می‌آید.

منابع

- ۱- احمدی گیوی، حسن و انوری، حسن. (۱۳۸۵). دستور زبان ۱، تهران: موسسه فرهنگی فاطمی.
- ۲- ارانسکی، یوسیف. (۱۳۷۸). زبان‌های ایرانی، ترجمه علی‌اشرف صادقی، تهران: سخن.
- ۳- افشار، ایرج. (۱۳۸۹). واژه‌نامه یزدی، تنظیم و آوانویسی محمدرضا محمدی، تهران: فرهنگ ایران زمین.
- ۴- باطنی، محمدرضا. (۱۳۷۴). مسائل زبان‌شناسی نوین، تهران: نقش جهان، صافی هما.
- ۵- بی‌یرویش، مانفرد. (۱۲۵۶). زبان‌شناسی جدید، ترجمه محمدرضا باطنی، تهران: هرمس.
- ۶- پاک‌نژاد، محمد و ویسی، الخاص. (۱۳۹۵). «توصیف و تحلیل فرایندهای واجی گویش دزفولی بر پایه چارچوب نظریه بهینگی»، فصل‌نامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، ۶(۳)، ۲۲-۱.

- ۷- ثمره، یدالله. (۱۳۶۹). «تحلیلی بر رده‌شناسی زبان، ویژگی‌های رده‌شناختی زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی، (۱)۷، ۶۱-۸۰.
- ۸- حاتمی‌زاده، محمد. (۱۳۸۲). واژه‌ها و گویش‌های یزدی، تهران: ثریا
- ۹- خامسی‌هامانه، فخرالسادات. (۱۳۹۲). تحلیل زبان‌شناختی گویش یزدی، یزد: هامون.
- ۱۰- رنجبر جفاکبودی، وحید. (۱۳۹۱). زبان و زبان‌گونه‌ها، کرمانشاه: باغ‌نی.
- ۱۱- رویینتر، آر.اچ. (۱۳۹۳). تاریخ مختصر زبان‌شناسی، ترجمه علی‌محمد حق‌شناس، تهران: نشر مرکز.
- ۱۲- سروشیان، جمشیدسروش. (۱۳۷۰). فرهنگ بهدینان، با مقدمه ابراهیم پورداود، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۳- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۲). دستور مفصل امروز بر پایه زبان‌شناسی جدید، تهران: سخن
- ۱۴- مزداپور، کنایون. (۱۳۷۴). واژه‌نامه گویش بهدینان شهر یزد، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۵- مشکوة‌الدینی، مهدی. (۱۳۸۴). دستور زبان فارسی؛ واژگان و پیوندهای ساختی، تهران: سمت.
- ۱۶- نقیب‌القراء، سیدعلی. (۱۳۷۵). بررسی گویش یزدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۷- وحیدیان کامیار، تقی و عمرانی، غلامرضا. (۱۳۷۹). دستور زبان فارسی، تهران: سمت.
- 18- Horn, P., (1893). Grundriss der neupersischen Etymologie, Strassburg.